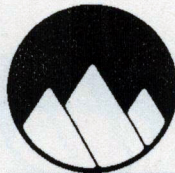


رهبری با آرامش

تسخیر قلبها و ذهنها و پیروزشدن در مسابقات



نشر میلکان

فهرست مطالب

۱۱	پیش‌گفتار.....
۱۵	مقدمه.....
۲۱	بخش اول؛ کمان رهبری.....
۲۵	فصل اول؛ تجربه.....
۵۲	کارلو از زبان کریستیانو رونالدو.....
۵۷	بخش دوم؛ کسب و کار اصلی.....
۶۱	فصل دوم؛ فرهنگ.....
۷۳	کارلو از زبان زلاتان ابراهیموویچ.....
۸۱	فصل سوم؛ سلسله‌مراتب.....
۸۸	کارلو از زبان آدریانو گالیانی.....
۹۵	فصل چهارم؛ استعدادها.....
۱۰۶	کارلو از زبان دیوید بکهام.....
۱۱۱	فصل پنجم؛ محل کار.....
۱۲۱	کارلو از زبان جان تری.....
۱۲۷	فصل ششم؛ مسئولیت‌پذیری.....
۱۳۷	کارلو از زبان پل کلمنت.....
۱۴۳	فصل هفتم؛ محصول.....
۱۵۵	کارلو از زبان سیر الکس فرگوسن.....
۱۵۷	فصل هشتم؛ داده.....
۱۶۳	کارلو از زبان روبرتو مارتینز.....
۱۶۷	بخش سوم؛ یادگیری رهبری.....
۱۷۳	فصل نهم؛ رشد کردن.....
۱۸۵	کارلو از زبان پائولو مالدینی.....
۱۸۷	فصل دهم؛ ارزش‌ها.....
۱۹۲	کارلو از زبان الساندرو نستا.....
۱۹۵	نتیجه‌گیری.....
۲۰۱	رهبری با آرامش؛ نتایج.....

پیش‌گفتار

بختوان پسر جوانی که در مزرعه‌ای در شمال ایتالیا بزرگ شده‌ام، آیا هرگز تصور می‌کردم روزگاری یکی از مدیران کسب‌وکاری چند میلیون پوندی باشم؟ البته که نه. تنها چیزی که می‌خواستم این بود: فوتبال بازی کنم.

حالا که به گذشته نگاه می‌کنم، می‌توانم ببینم که ما تنگدست اما شاد بودیم. این خانواده‌ام بود که اصول اولیه‌ی بسیاری از درس‌هایی را که در این کتاب خواهید خواند به من یاد داد؛ چیزهایی مانند احترام و وفاداری، ارزش پول، سخت‌کوشی و اهمیت خانواده. این بذرها در دوران ابتدایی زندگی در وجودم کاشته شد و هنگامی که نخست به‌عنوان بازیکن حرفه‌ای و سپس در مقام سرمربی مشغول به‌کار شدم، به‌تدریج رشد کرد و به ثمر نشست.

«رهبری با آرامش» مجموعه تأملاتی است درباره‌ی دوران حضور من در فوتبال و اندیشه‌ها و تفکرات در مورد این که چگونه می‌توان در این حرفه نقش یک رهبر را ایفا نمود. این درس‌ها را می‌توان به حرفه‌های دیگر هم تعمیم داد؛ رهبران در تمام حوزه‌ها شباهت‌های زیادی به هم دارند، چه فوتبال باشد و چه دنیای کسب‌وکار. من جداً به استفاده از دانش و تجربیات حوزه‌های دیگر باور دارم، همان‌طور که تخصص خود را به پاریس، لندن، مادرید و اکنون مونیخ برده‌ام. نباید هرگز از یادگرفتن دست کشید.

شاید رویکرد «توام با آرامش» در موضوع رهبری و مدیریت، برای بعضی‌ها نرم یا حتی ضعیف به‌نظر برسد، اما من چنین تصویری از آن ندارم و مطمئناً کسانی هم که با من یا برای من بازی کرده‌اند چنین برداشتی از آن ندارند. آرامشی که من درباره‌اش سخن می‌گویم به نوعی قدرت محسوب می‌شود. آرام بودن، حساب‌شده رفتار کردن، به‌دست آوردن اعتماد اطرافیان، باخونسردی تصمیم‌گرفتن، استفاده از اعتبار خود برای متقاعدساختن دیگران و داشتن رویکرد حرفه‌ای، همه و همه، نمایانگر توانمندی و اقتداری ویژه است. هنگامی که ویتو کورلثونه را در فیلم پدرخوانده نگاه می‌کنید، فردی ساکت و ضعیف را می‌بینید یا مردی آرام و نیرومند که بر اوضاع پیرامون خود مسلط است؟

رویکرد من از این ایده شکل گرفته است، که مدیر نباید به دادوهوار کردن نیاز داشته باشد یا با مشت آهنین زیر مجموعه‌ی خود را اداره کند، بلکه قدرت او باید بی‌چون وچرا پذیرفته شود. باید کاملاً روشن باشد که چه کسی رئیس است و این اقتدار باید در نتیجه‌ی احترام و اعتماد، و نه ترس، به دست آمده باشد. معتقدم احترامی که به من گذاشته می‌شود تا اندازه‌ای به دلیل عملکرد موفقیت‌آمیز و پیروزی‌هایی است که برای باشگاه‌هایم کسب کرده‌ام، اما شاید دلیل مهم‌ترش این است که من هم به توبه‌ی خود برای همکارانم احترام قائل می‌شوم. این افراد به من اعتماد دارند و تصور می‌کنند که